



چرا فلسطین مسأله اول جهان اسلام است؟ سه هدف، سه اثر، سه رخداد

مطالعات راهبردی

دکتر علیرضا مقدم

رئیس پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای جامعه‌المصطفی‌العالمیه

بحث فلسطین شش ماهی است که در دنیا برجسته‌تر شده است اما هنوز در مورد آن فقر آگاهی وجود دارد؛ نه تنها در سطح عموم بلکه در سطح نخبگانی و دانشگاهی هم هنوز نیاز داریم که آگاهی نسبت به مسأله فلسطین را ارتقا دهیم و به این پرسش‌ها بپردازیم که چرا اساساً فلسطین مهم است و چرا فلسطین باید مسأله نخست جهان اسلام باشد؟ در گفتار پیش‌رو، با تحلیل رخداد‌های اخیر و تحولات جاری فلسطین، به جوانب مختلف این پرسش می‌پردازیم.

مهم‌ترین مسأله‌ای که در شش ماه اخیر با آن مواجه بودیم «عملیات طوفان الاقصی» بود که تحلیل‌های بسیاری پیرامون دلایل و پیامدهای آن انجام شده است که در مقام جمع‌بندی می‌توان چنین اشاره کرد که بعد از عملیات طوفان الاقصی در همه جوانب قضیه فلسطین شاهد تغییرات اساسی هستیم. چنانکه هیچ جنبه از مسأله فلسطین به پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ یا ۱۵ مهر ۱۴۰۲ باز نخواهد گشت؛ چه در خصوص رهبران صهیونیستی و موضع‌گیری‌هایش، چه در خصوص محور مقاومت و بازیگرانش و چه در خصوص نگاه بین‌المللی و منطقه‌ای به فلسطین، ما بعد از عملیات طوفان الاقصی شاهد یک تفاوت اساسی و یک تغییر راهبردی براین تحلیل‌های کارشناسان گواهی براین واقعیت است که رژیم صهیونیستی در

دستیابی به اهدافش که اعلام کرده بود نابودی حماس، آزادی گروگان‌ها و غیرنظامی کردن غزه است، تا به امروز موفق نبوده است و البته مستندات فراوانی هم وجود دارد که چنین عدم موفقیتی را تأیید می‌کند. بنابراین عدم موفقیت رژیم اسرائیل بر کسی پوشیده نیست و خود آنان هم بر شکست خود در رسیدن به اهدافشان اذعان دارند. اما در طرف دیگر این شهادت‌ها و فاجعه انسانی در غزه مواجه هستیم، چطور پیروزی جریان مقاومت را باید تفسیر کرد؟ در چنین شرایطی حتی سؤال می‌شود که اگر نیروهای مقاومت پیش از عملیات طوفان الاقصی تحلیل می‌کردند که با چنین واکنشی مواجه می‌شوند آیا باز هم چنین اقدامی را انجام می‌دادند؟ برای اینکه بتوانیم به این دست

از پرسش‌ها پاسخ دهیم نیاز داریم دوباره در خصوص «جبهه مقاومت» و «هدف کانونی جبهه مقاومت» تأمل کنیم. تحولات اخیر بعد از عملیات طوفان الاقصی چه بسا لزوم تأمل دوباره نسبت به مسأله فلسطین را گوشزد می‌کند و این می‌تواند از جمله پیامدهای راهبردی این عملیات باشد. همچنان که حماس به‌عنوان یکی از نیروهای مقاومت، تحت تأثیر تحولات منطقه در سال ۲۰۱۷ اساسنامه خود را تغییر داد.

در این گفتار تلاش می‌کنم یک صورت‌بندی و چهارچوب اولیه‌ای ارائه دهم با عطف توجه به اهداف کانونی نیروهای مقاومت با تمرکز بر حل مسأله فلسطین تا بتوانیم در نهایت با توجه به این چهارچوب‌های اولیه، پیروزی نیروهای مقاومت را بسنجیم و پیروزی در جبهه مقاومت را تفسیر کنیم.

سه هدف کانونی و اساسی برای حل مسأله فلسطین می‌توان در نظر گرفت: نابودی اسرائیل، تشکیل دولت فلسطینی، بقای گروه‌های مقاومت به این معنا که گروه‌های مقاومت را به عنوان «موضوع» و نه «طریق» در نظر بگیریم. البته این اهداف مانعاً الجمع نیست اما اولویت دادن و مرکزیت دادن به هر کدام از این سه هدف می‌تواند در تحلیل ما از وضعیت مقاومت و سنجش پیروزی و آینده تحولات مقاومت کاملاً مؤثر باشد. هر کدام از این سه هدف در اولویت قرار گیرد مسأله فلسطین را با چالش‌هایی در سه سطح بین‌المللی،

داخلی و منطقه‌ای مواجه خواهد کرد و متعاقباً فعالیت نیروهای مقاومت را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

عملیات نیروهای مقاومت با هدف نابودی رژیم اسرائیل

اگر هدف کانونی و اولویت نیروهای مقاومت «نابودی رژیم اسرائیل» در نظر گرفته شود چنین هدفی (فارغ از اینکه اعتقاد و خواست ما چیست) در سطح بین‌المللی ایجاد مقبولیت نمی‌کند و چون با ادبیات و ترمینولوژی حقوق بین‌الملل همگام نیست چالش‌های اساسی بسیاری ایجاد خواهد کرد. بنابراین منظور این است که اگر این هدف به‌عنوان هدف کانونی عملیات نیروهای مقاومت باشد باید آماده چالش‌های آن در سطح بین‌المللی باشیم.

پیامدهای منطقه‌ای این هدف را این‌گونه می‌توان توصیف کرد که بعد از دهه ۱۹۸۰ اعراب از این هدف فاصله گرفتند بویژه بعد از اجلاس اعراب در سال ۱۹۸۲ و بخصوص بعد از ارائه «طرح صلح عربی» توسط ملک عبدالله در ۲۰۰۲ که به «نقشه راه» معروف شد و در آن اشاره شده بود که اگر رژیم اسرائیل به مرزهای ۱۹۴۷ برگردد همه کشورهای عربی رژیم اسرائیل را به رسمیت خواهند شناخت، بر همین اساس هم بود که اساسنامه حماس در سال ۲۰۱۷، همین مسأله را دنبال کرد.

اگر «تشکیل دولت فلسطینی» را «تشکیل دولت فلسطینی» در نظر بگیریم این راه حل مقبولیت بین‌المللی خواهد داشت چون با حقوق بین‌الملل هماهنگی خواهد داشت و به لحاظ منطقه‌ای هم در میان اعراب مقبولیت قابل توجه‌ای دارد و در سطح داخلی هم بین خود فلسطینی‌ها مقبولیت عام دارد. بر همین اساس هم بود که اساسنامه حماس در سال ۲۰۱۷، همین مسأله را دنبال کرد.

عملیات نیروهای مقاومت با هدف تشکیل دولت فلسطینی

اگر هدف کانونی و اولویت نیروهای مقاومت برای حل مسأله فلسطین را «تشکیل دولت فلسطینی» در نظر بگیریم این راه حل مقبولیت بین‌المللی خواهد داشت چون با حقوق بین‌الملل هماهنگی خواهد داشت و به لحاظ منطقه‌ای هم در میان اعراب مقبولیت قابل توجه‌ای دارد و در سطح داخلی هم بین خود فلسطینی‌ها مقبولیت عام دارد. بر همین اساس هم بود که اساسنامه حماس در سال ۲۰۱۷، همین مسأله را دنبال کرد.

اندیشه

نیروهای داخلی فلسطین خواهد شد. اگرچه به نظر می‌رسد غلبه اکثریت در فلسطین با نیروهای مقاومت است ولی در هر صورت اگر این هدف را به‌عنوان هدف کانونی نیروهای مقاومت در نظر بگیریم بین گروه‌های فلسطینی به‌طور مشخص «فتح» و «حماس» نوعی چالش سیاسی را ایجاد خواهد کرد. در این هدف، در مواجهه با طرح‌های صلح شاید منفعلانه برخورد شود و بر روش‌های نظامی غلبه خواهد کرد اگرچه گروه‌ها چهره سیاسی هم خواهند داشت و گروه‌های مقاومت به «موضوع» و نه «طریق» تبدیل می‌شوند.

نمی‌توان با توافق‌هایی بدون حضور فلسطینیان، مسأله فلسطین را حل کرد

بنابراین با این چهارچوب و صورت‌بندی می‌توانیم پیروزی را در سمت جریان مقاومت بسنجیم. در این ۶ ماهه روشن شده است که نمی‌شود تشکیل دولت فلسطینی را به فراموشی سپرد؛ نمی‌شود مسأله فلسطین را به تاریخ سپرد؛ نمی‌شود با حذف فلسطینیان و گروه‌های فلسطینی و ایجاد توافق‌هایی بدون حضور فلسطینیان و بدون توجه به تشکیل دولت فلسطین، قضیه فلسطین را حل کرد. اما ارزیابی اینکه چقدر عملیات طوفان الاقصی به تشکیل دولت فلسطینی کمک کرده یا کمک خواهد کرد هنوز امکان‌پذیر نیست ولی اهمیت پیدا کردن دوباره تشکیل دولت فلسطینی بعد از عملیات طوفان الاقصی در سطوح مختلف بین‌المللی، منطقه‌ای، رسانه و حتی کنشگران غیردولتی غیرقابل انکار است و برای ارزیابی و سنجش عملیات نیروهای مقاومت نمی‌توان این ابعاد را نادیده گرفت. توجه کانونی به هر کدام از این سه هدف، در مسیر ما در جبهه مقاومت تأثیرگذار خواهد بود.

مکتوب حاضر متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی دکتر مقدم و دکتر سیدباقری در هم‌اندیشی «قدس الامه: تأملی بنیادین» است که از سوی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار شده است.

را به‌عنوان هدف کانونی نیروهای مقاومت و راه‌حل مسأله فلسطین در نظر بگیریم در چنین شرایطی نیروهای مقاومت در برابر طرح‌های صلح فعالانه عمل خواهند کرد و تلاش می‌کنند در حالی که همچنان مخالفت با رژیم اسرائیل باقی است اما راه‌حلی را برای حل مسأله فلسطین ارائه کنند و امکان بهره‌گیری از روش‌های مختلف سیاسی رسانه‌ای و نظامی هم وجود خواهد داشت؛ برخلاف هدف قبلی که تنها «روش نظامی» مورد توجه بود. در این هدف، توان محور مقاومت به سمت «تشکیل دولت فلسطین» سوق داده خواهد شد.

دیگر اینکه گروه‌های مقاومت در راه تحقق این هدف «طریقیت» خواهند داشت و به لحاظ فرهنگی هم از «فرهنگ شهادت» به سوی «فرهنگ پیروزی» یعنی تشکیل دولت فلسطین حرکت خواهد شد در حالی که فرهنگ شهادت همچنان اهمیت دارد و در مسیر پیروزی اگر شهادتی هم اتفاق افتاد طبیعتاً استقبال خواهد شد.

عملیات نیروهای مقاومت با هدف حفظ و بقای جریان مقاومت

اگر حفظ و بقای جریان مقاومت، هدف کانونی فعالیت‌های نیروهای مقاومت قرار گیرد و بقای جریان مقاومت موضوعیت پیدا کند و نه «طریقیت» آنان، این هم در سه سطح بین‌المللی و منطقه‌ای و داخلی چنین قابل تحلیل است که چنین هدفی به لحاظ بین‌المللی با عدم مقبولیت نسبی مواجه است و با ساختار سیاسی نظام بین‌الملل چالش ایجاد خواهد شد. علاوه بر اینکه به لحاظ منطقه‌ای هم چنین هدفی باعث چالش‌هایی با اعراب خواهد شد. چرا که این تلقی (صرف‌نظر از درست یا غلط بودن آن) وجود دارد که این گروه‌ها وابسته به ایران هستند و بقای این گروه‌ها بستری برای افزایش نفوذ ایران خواهند بود و این ماجرا باعث شکافی میان خود کشورهای عربی از یک طرف و بین کشورهای عربی و ایران از طرف دیگر خواهد شد.

اما این هدف در سطح داخلی فلسطین، مقداری مسأله را سیاسی خواهد کرد و محل منازعه میان



در این ۶ ماهه روشن شده است که نمی‌شود تشکیل دولت فلسطینی را به فراموشی سپرد؛ نمی‌شود مسأله فلسطین را به تاریخ سپرد؛ نمی‌شود با حذف فلسطینیان و گروه‌های فلسطینی و ایجاد توافق‌هایی بدون حضور فلسطینیان و بدون توجه به تشکیل دولت فلسطین، قضیه فلسطین را حل کرد



نیم نگاه

مسأله فلسطین و تغییرات راهبردی‌اش بعد از طوفان الاقصی

مهم‌ترین مسأله‌ای که در شش ماه اخیر با آن مواجه بودیم «عملیات طوفان الاقصی» بود که تحلیل‌های بسیاری پیرامون دلایل و پیامدهای آن انجام شده است که در مقام جمع‌بندی می‌توان چنین اشاره کرد که بعد از عملیات طوفان الاقصی در همه جوانب قضیه فلسطین شاهد تغییرات اساسی هستیم. چنانکه هیچ جنبه از مسأله فلسطین به پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ یا ۱۵ مهر ۱۴۰۲ باز نخواهد گشت؛ چه در خصوص رژیم صهیونیستی و موضع‌گیری‌هایش، چه در خصوص محور مقاومت و بازیگرانش و چه در خصوص نگاه بین‌المللی و منطقه‌ای به فلسطین، ما بعد از عملیات طوفان الاقصی شاهد یک تفاوت اساسی و یک تغییر راهبردی هستیم. تحلیل‌های کارشناسان گواهی بر این واقعیت است که رژیم صهیونیستی در دستیابی به اهدافش که اعلام کرده بود

نابودی حماس، آزادی گروگان‌ها و غیرنظامی کردن غزه است، تا به امروز موفق نبوده است و البته مستندات فراوانی هم وجود دارد که چنین عدم موفقیتی را تأیید می‌کند. بنابراین عدم موفقیت رژیم اسرائیل بر کسی پوشیده نیست و خود آنان هم بر شکست خود در رسیدن به اهدافشان اذعان دارند. اما در طرف دیگر این جریان، در حالی که با تخریب‌ها، شهادت‌ها و فاجعه انسانی در غزه مواجه هستیم، چطور پیروزی جریان مقاومت را باید تفسیر کرد؟ در چنین شرایطی حتی سؤال می‌شود که اگر نیروهای مقاومت پیش از عملیات طوفان الاقصی تحلیل می‌کردند که با چنین واکنشی مواجه می‌شوند آیا باز هم چنین اقدامی انجام می‌دادند؟



فلسطین، مسأله اول انسانیت

سیاست

دکتر سید کاظم سیدباقری

مدیر گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی

آوارگی‌های بسیاری در منطقه ما شد و از سوی دیگر میان جهان عرب و اسرائیل هم تقابل‌هایی را ایجاد کرد و باعث شد مردم فلسطین به تدریج به این نتیجه برسند که گره مشکلاتشان تنها به دست خودشان باز می‌شود و نیاید به دیگران و بویژه کشورهای عربی اتکا کنند و اینچنین بود که انتفاضه مردمی اول و دوم شکل گرفت و متعاقب آن گروه‌های مبارز فلسطینی قوام پیدا کردند.

در تحلیل رژیم اسرائیل و عملیات



امروزه فلسطین نه تنها مسأله نخست جهان اسلام بلکه مسأله اول انسانیت است. ما از حدود ۱۵۰ سال پیش با میهمان ناخوانده‌ای به نام غرب در جهان اسلام روبه‌رو بودیم که این میهمان همواره در جهت سودجویی خود حرکت کرده است. این مسیر، زمینه‌های شکل‌گیری یک دشمن تحمیلی به جهان اسلام را فراهم کرد؛ اسرائیل دشمنی بود که از غرب به ما تحمیل شد. حضور این دشمن تحمیل شده منجر به کشتارها و



عکس: YJC.ir

طوفان الاقصی باید گفت از آنجایی که برای اسرائیل بحث «امنیت» بسیار مهم است، عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر، امنیت پوشالی آنان را فرو ریخت و این امر از ۶ ماه پیش، نه تنها فلسطین را از جهان عرب خارج کرد بلکه آنان را بیشتر به جهان اسلام سوق داد و با توجه به وجدان‌های بیدار جهان، فلسطین به مسأله اول وجدان‌های بیدار انسانی بدل شد. برای اینکه بتوانیم به شناخت دقیق و عمیقی از مسأله فلسطین برسیم باید توجه داشته باشیم که امروزه در مورد مسأله فلسطین با نوعی جنگ رسانه‌ای و جنگ ترکیبی روبه‌رو هستیم که باید ابعاد مختلف آن را مدنظر قرار دهیم تا به نتیجه درست برسیم. بنابراین باید از نگاه‌های شعاری و احساسی در مورد فلسطین گذر کنیم تا بتوانیم برای فلسطین



از حدود ۱۵۰ سال پیش با میهمان ناخوانده‌ای به نام غرب در جهان اسلام روبه‌رو بودیم که زمینه‌های شکل‌گیری یک دشمن تحمیلی به جهان اسلام را فراهم کرد؛ اسرائیل دشمنی بود که از غرب به ما تحمیل شد

و جهان اسلام قدم‌های مؤثرتری برداریم. امروزه حتی موضع امریکا نسبت به اسرائیل تغییر کرده است و دیدیم که امریکا دیگر به ادامه جنگ هم رأی ندارد که این امر یکی از نشانه‌های تأمین‌کننده خواسته‌های امریکا در منطقه باشد و از طرف دیگر، با همه پشتیبانی‌های امریکا از اسرائیل، باز امنیت آنان تأمین نشده است. بنابراین نه اسرائیل توانست خواسته‌های امریکا در منطقه را برآورده کند و نه امریکا توانست امنیت مورد انتظار اسرائیل را برای آنان به ارمغان آورد. همه اینها در حالی است که در ۶ ماه گذشته وجدان‌های بیدار جهانی متوجه فلسطین و مظلومیت آنان شده و این نتیجه عملکرد درست محور مقاومت است.